

تأثیر ارتباط معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در گذار از ابتلائات در اندیشه مهدوی آیت الله ناصری اصفهانی

حسین الهی نژاد*

سید حسن سیادتی**

چکیده

ارتباط معنوی و قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آثار فراوانی در زندگی افراد جامعه دارد که ابتلا و دفع بلا و گرفتاری، از مهم‌ترین آن‌ها است. از آنجا که بر اساس سنت الهی، حیات دنیایی آمیخته با انواع ابتلائات و گرفتاری‌ها است، به نظر می‌آید ارتباط معنوی از بهترین گزینه‌های برون‌رفت از بلاها باشد؛ زیرا ارتباط معنوی در مقایسه با ارتباط مشاهده‌ای از امتیازات و برتری‌های ویژه‌ای برخوردار است؛ از جمله آنکه محدودیتی نداشته و همگانی است. تبیین این نوع از ارتباط و اثربخشی آن در رفع بلا از نگاه متفکران و دانشوران مهدوی، در روشن شدن ابعاد و زوایای آن کمک شایانی می‌کند. آیت الله ناصری اصفهانی از دین‌یاران بینایی است که در عرصه مهدویت قلم فرسایی کرده و به خامه خود مشتاقان معارف مهدوی را راهبری نموده است؛ از این رو بایسته است با روش توصیفی و تحلیلی بر اساس داده‌های موجود در آثار این دانشمند فرزانه، به کاوشی نواز تأثیرات ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در گذار از ابتلائات پرداخته شود که در مجموع چهار مؤلفه «اجابت دعا»، «زننده دلی»، «نورآفرینی و ظلمت‌زدایی» و «تحقق فرج» دستیاب می‌گردد. تبیین این موارد، هم‌گرایش افراد به پیوند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تقویت می‌کند و هم راهکاری عملی

* استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول): h.elahinegad@isca.ac.ir.

** دانش‌آموخته سطح ۴ مؤسسه بین‌المللی امام‌شناسی: Seiied33@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۷



برای گذار از سختی‌ها، پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: امام زمان علیه السلام، ارتباط معنوی، ارتباط مشافهی، ابتلائات، آیت الله ناصری.

مقدمه

روزگار غیبت امام را به حقی باید از سخت‌ترین دوران زندگانی بشر دانست. شیعیان، امام خود را ندیده و دسترسی حضوری به وی ندارند. اهل بیت علیهم السلام هیچ‌گاه از دوستداران خود غافل نبوده و به برکت وجودشان بلایا برطرف می‌شود؛^۱ (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۹۰۳) اما فتنه‌های آخر الزمان بزرگ بوده و ایمان افراد همواره در فراز و نشیب و تحت تأثیر امتحان الهی قرار دارد.

به سبب آنکه فتنه‌ها و ابتلائات از سنت‌های الهی است، انسان‌ها در طول حیات خود دائماً با آن روبه‌رو هستند. بر این اساس باید به دنبال راه حلی بود تا بتوان از امتحان‌ها به سلامت عبور کرده، آن‌ها را برطرف نمود. به نظر می‌آید ارتباط با امام عصر علیه السلام یکی از راه‌های مهم برای برون‌رفت از گرفتاری‌ها باشد. از آنجا که ارتباط مشافهی با امام زمان علیه السلام برای عموم افراد جامعه ممکن نیست، راه ارتباطی با آن حضرت بیشتر در قالب ارتباط قلبی و معنوی امکان‌پذیر می‌باشد.

پرسش اصلی آن است که ارتباط معنوی با امام مهدی علیه السلام چه تأثیراتی در برون‌رفت از ابتلائات دارد؟ کاوش از این تأثیرات در اندیشه دانشوران مهدوی، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا آنان عمر علمی خود را در مسائل مهدویت گذرانده، متخصصان صاحب‌نظری هستند که تبیین اندیشه‌های ایشان، راهگشای مشکلات جامعه منتظر است. آیت الله ناصری اصفهانی از اندیشمندان بی‌نظیری است که با نگرش‌های ناب مهدوی، دل‌های منتظران را از معارف، سیراب نموده و راهکارهای پرمفعتی را در اختیار مخاطبان قرار داده است.

با تبیین تأثیرات ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام در گذار از ابتلائات در اندیشه‌های آیت الله ناصری، افزون بر ارائه خط مشی عملی برای افراد جامعه در رهایی از مشکلات، جایگاه حقیقی امام غایب و بهره‌وری بیشتر از آن حضرت فراهم می‌شود. در نتیجه در رویارویی با شداید، رو به امام غایب کرده و ارتباط وثیق‌تری با آن جناب خواهند داشت.

گرچه نقش ارتباط با امام مهدی علیه السلام در رهایی از ابتلائات، مورد توجه دانشمندان بوده و در لابه‌لای کتب از آن سخن گفته‌اند، تاکنون تبیین آن در اندیشه آیت الله ناصری در نگاشته

۱. إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمْتُمْ الْأَعْدَاءُ.



مستقلی بازتاب نیافته است. بر این اساس این نوشتار در داده‌پردازی با روش توصیفی و تحلیلی و در جمع‌آوری داده‌ها با جست‌وجو در منابع مکتوب از اندیشه‌های آیت الله ناصری به دنبال پاسخ به این مسأله دست یازیده است.

در وهله نخست در راستای تبیین چارچوب مفهومی بحث، واژگان ارتباط و ابتلا مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، مبانی نظری مسأله یعنی اقسام ارتباط در دو قسم ارتباط مشاهده‌ای و مشافه‌ای و ارتباط قلبی و معنوی بیان شده است. آنگاه تأثیرات ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله فرجه در گذار از ابتلائات در اندیشه آیت الله ناصری در چهار مؤلفه «اجابت دعا»، «زنده‌دلی»، «نورآفرینی و ظلمت‌زدایی» و «تحقق فرج» مطرح می‌شود.

مفهوم‌شناسی

۱. ارتباط

ارتباط به معنای بستن، بستگی، اتصال داشتن و پیوستگی داشتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ۱۱۸۹۷) و معادل واژگان عربی ربط، اتصال، توصل، صله و علاقه است. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) پس از دعوت به صبر در مسئولیت‌ها و سختی‌ها (اصبروا) و ثبات قدم در آن (صابروا)، مرابطه بیان شده که مراتبی دارد: الف. ارتباط میان افراد امت و امام که نتیجه آن راهیابی به سرمنزل هدایت در سایه هدایت‌گری و ارشاد امام است. ب. ارتباط میان مردم که صف واحدی در برابر دشمن ایجاد می‌کند. ج. آمادگی نظامی که در پس آن، محافظت و دفاع از جان حاصل می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۴، ۳۲-۳۳)

مرباطه معنایی گسترده‌تر از مصابره دارد. مقصود از مصابره، پیوند نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر سختی‌ها است؛ اما مرابطه به معنای پیوند همه نیروها و کارها در همه شئون زندگی، اعم از حال سختی و راحتی است؛ زیرا مقصود از آن، نیل جامعه به نیک‌بختی دنیا و آخرت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۹۱-۹۲)

مرباطه در روایات به دو معنا به کار رفته است: الف. مرزداری. فقها در مباحث جهاد به آن پرداخته‌اند. این نوع از مرابطه واجب کفایی بوده و نیابت‌پذیر است. ب. مرابطه مؤمن با امام زمانش، بدین صورت که خودش را متصل به ولایت او کند، از وی پیروی نموده، به یاری‌اش بشتابد. این نوع از مرابطه، واجب عینی است و نیابت نمی‌پذیرد. رکنی از ارکان ایمان است و خدا عمل بدون آن را قبول نمی‌کند. (اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۴۸۱-۴۸۲)





امام صادق علیه السلام در ضرورت وجود امام در هر زمان به آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾** (آل عمران: ۲۰۰) استناد نموده‌اند و بیان داشته‌اند که با امام خود رابطه داشته باشید و در آنچه به شما امر می‌کند، تقوای الهی را رعایت کنید. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۱۲-۲۱۳)

تعریف این واژه در علوم ارتباطات عبارت است از «فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گوینده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهات معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود». (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۵۷) با توجه به این تعریف، چند عنصر اساسی در ارتباط وجود دارد: فرستنده، گیرنده، پیام، معنایی که در قالب پیام منتقل می‌شود.

۲. ابتلا

ابتلا از ریشه «بلوی» به معنای کهنگی و آزمایش و اختبار است و در امور خیر و شر کاربرد دارد. خدا بندگان را به هر دو نوع از بلا، آزمایش می‌کند تا میزان شکیبایی و شکرگزاری شان آشکار شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۹۲-۲۹۳) مضمون بلا و آزمایش از مفاهیم پربسامد در آیات و روایات با واژگان گوناگون است. با توجه به آیات قرآن، امتحان از سنت‌های الهی است: **﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾** (عنکبوت: ۲)؛ «آیا مردم گمان می‌کنند همین که گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟!» از این رو امتحانات الهی دارای سه شاخصه **تخلف‌ناپذیری، فراگیری و جاودانگی** است.

امتحان پروردگار **اولا** تغییرناپذیر است. ثانياً عمومیت دارد؛ یعنی در طول تاریخ در میان همه امت‌های گذشته و آینده جریان دارد و در همه مؤلفه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و دینی فراگیر است. ثالثاً پیوستگی و دوام دارد. (الهی نژاد، ۱۳۹۵: ۳۵۱-۳۵۶).

کاربست روایی این واژه نشان می‌دهد که آزمایش و سختی مؤمنان در برخی موارد به جهت **محبت خداوند**^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۵۳) و هدیه‌ای از جانب اوست.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۵۵) در این موارد، ابتلای الهی را باید در جهت کمال انسان و به فعلیت رساندن استعدادهاى او دانست.

توضیح آنکه سه نوع امتحان وجود دارد: گاهی امتحان به جهت کشف حقیقت و معلوم شدن مجهولی صورت می‌گیرد. گاهی امتحان برای اتمام حجت است، بدین معنا که برای

۱. **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَبَّدَهُ بِالْبَلَاءِ عَتَا.**

۲. **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغَيْبَةِ.**



کامروایی و شوربختی انسان، وابسته به این نوع از ارتباط است. این ارتباط می‌تواند به صورت مشاهده‌ای و مشافه‌ای یا قلبی و معنوی باشد که در گفتار پسین بدان پرداخته می‌شود.

ج. ارتباط انسان با دیگر انسان‌ها. انسان به طبیعت خود، موجودی اجتماعی است و رفع نیازهای وی در اجتماع محقق می‌شود. البته نوع ارتباط فرد مسلمان با دیگر افراد یکسان نیست. مسلمان، عضوی از پیکره جامعه اسلامی است و روابطش با اعضای پیکر غیر اسلامی باید به گونه‌ای باشد که به وحدت و استقلال جامعه اسلامی ضربه وارد نکند (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۳، ۲۵۹)؛ از این رو فرمان داده شده تا از دوستی با دشمنان خدا و مؤمنان پرهیز شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه: ۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را، دوست نگیرید».

۳. ارتباط انسان با طبیعت. خداوند همه آنچه در زمین و آسمان قرار دارد را در اختیار انسان قرار داده تا از آن‌ها بهره جوید و راه تکامل را بییماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ» (جاثیه: ۱۳). ارتباط انسان با طبیعت باید عادلانه و صحیح باشد؛ یعنی با استفاده بهینه از آن، حقوق دیگر انسان‌ها را در نظر داشته باشد.

پس حیات انسان آکنده از ارتباطات مختلف است؛ اما محور بحث و گفت‌وگو در این نوشتار، ارتباط انسان با امام زمان علیه السلام است. رابطه امام عصر علیه السلام در دو نوع ارتباط ظاهری و باطنی توجیه می‌شود؛ به عبارت دیگر گاهی از راه ملاقات با امام، ارتباط ظاهری و حضوری برای افراد خاصی حاصل می‌شود و گاهی این ارتباط، باطنی و معنوی بوده که برای افراد بسیار زیادی ممکن است.

۱. ارتباط ظاهری و باطنی

چنانکه بیان شد ارتباط با امام زمان علیه السلام از دو راه ارتباط ظاهری و ارتباط باطنی حاصل می‌شود. ارتباط ظاهری که از آن به ارتباط مشاهده‌ای و مشافه‌ای تعبیر شده است، در قالب ملاقات با آن حضرت نمایان می‌شود. به طور کلی ارتباط با امام در دوره غیبت کبرا به چهار صورت رؤیت، ملاقات، فیض حضور و شهود محقق می‌شود. رؤیت به معنای دیدن بدون شناخت آن حضرت است. ملاقات، دیدن با شناخت است. فیض حضور، دیدن همراه با شناخت به همراه سؤال و جواب و گفت‌وگو با آن جناب است. شهود، ارتباط با امام از طریق سیر و



سلوک و مکاشفه است (ذاکری، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳)؛ البته این ارتباط برای افراد خاصی رخ داده است و گسترده نیست.

ارتباط باطنی که از آن به ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر^{علیه السلام} نام می‌برند، از جهاتی برتر از ارتباط حضوری و ملاقات با امام عصر^{علیه السلام} است:

الف. ملاقات با آن جناب، محدود به زمان و مکان بوده و ویژه برخی افراد است؛ اما ارتباط معنوی، محدودیت زمانی و مکانی ندارد و همه افراد می‌توانند با امام، رابطه برقرار کنند. ب. ارتباط مشاهده‌ای موقتی است؛ اما رابطه معنوی، همیشگی و مطلق است.

ج. از آنجا که ارتباط حضوری، نسبی است و مطلق نمی‌باشد، نباید در آن افراط کرد. افراط در ملاقات، آسیب ملاقات‌گرایی را به همراه دارد؛ به این معنا که برخی افراد به شدت به دنبال ملاقات با امام مهدی^{علیه السلام} بوده، آن را ترویج می‌کنند و از دیگر وظایف خود غافل می‌شوند. در صورتی که ارتباط قلبی مطلق است و هر چه بیشتر ترویج شود، اثر افزون‌تری خواهد داشت.

د. ملاقات، اختیاری نیست و با خواست و اراده امام تحقق می‌یابد؛ ولی رابطه معنوی به اختیار انسان حاصل می‌شود.

پس ارتباط معنوی و قلبی، فراگیرتر، بادوام‌تر و انجام‌پذیرتر از ارتباط مشافه‌ای است.

۲. جایگاه ارتباط قلبی و معنوی

در برابر ارتباط مشافه‌ای، ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر^{علیه السلام} قرار دارد که محور بحث در این نوشتار است. در این ارتباط بر خلاف ملاقات، منتظران با قلب و جان خود، با امام ارتباط برقرار می‌کنند؛ از این رو هیچ محدودیتی دامن‌گیر آنان نیست. از ویژگی مؤمنان دوره غیبت، ارتباط قلبی آنان با امام مهدی^{علیه السلام} است. امام کاظم^{علیه السلام} می‌فرماید: امام مهدی^{علیه السلام} از چشم‌ها غایب می‌شود؛ اما از قلب مؤمنان غایب نیست.^۱ (خزّان، ۱۴۰۱: ۲۷۰) ارتباط معنوی در قالب توسل به آن حضرت، دعا، نماز، زیارت، انجام مستحبات و غیر آن نمود پیدا می‌کند. (ناصری، ۱۴۰۱: (پ)، ۱۴۰) به هر اندازه که حجاب‌های درونی کاهش یابد و صفات رذیله درمان گردد، رابطه با امام غایب محکم‌تر خواهد شد. چنین مطلوبی از راه توبه از گناهان گذشته، التزام به اقامه

۱. یَغِیْبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا یَغِیْبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِیْنَ ذِکْرُهُ هُوَ النَّائِي عَشْرَ مِثًا.



نماز در اول وقت، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، تداوم در خواندن دعای عهد، با وضو بودن در اغلب اوقات، استغفار و تلاوت قرآن ممکن می‌شود. (ناصری، ۱۴۰۱: ۲۶، (ث))

این ارتباط مبتنی بر آگاهی به دو نکته است:

نخست؛ غیبت امام مهدی علیه السلام به معنای حاضر نبودن ایشان در جامعه نیست؛ بلکه به این معنا است که امام در جامعه حضور دارند؛ ولی افراد جامعه ایشان را نمی‌شناسند. (ناصری، ۱۴۰۱: ۹۲)

دوم؛ بهره‌مندی از آن حضرت متوقف بر دسترسی حضوری به ایشان نیست. سلیمان بن مهران از چگونگی بهره‌جویی شیعیان از امام غایب می‌پرسد. امام صادق علیه السلام در پاسخ، امام را به خورشید پشت ابر تشبیه نمودند که از آن انتفاع برده می‌شود.^۱ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۷)

تشبیه امام زمان علیه السلام به آفتاب پشت ابر، در بردارنده نکات ظریفی است:

الف. همان‌گونه که خورشید مایه حیات کرات منظومه شمسی است، امام زمان علیه السلام سبب بقای عالم است.

ب. خورشید برای همه موجودات منفعت دارد. لطف امام نیز عمومی است و خیر و برکتشان به همه موجودات می‌رسد.

ج. بهره‌وری از نور خورشید متناسب با کم و زیاد شدن ابرها، تغییر می‌کند. در رابطه انسان با امام عصر علیه السلام نیز هر مقدار حجاب‌های ظلمانی یعنی گناهان، کمتر باشد، انتفاع بیشتری می‌شود و هر چه حجاب‌ها بیشتر باشد، انتفاع از امام کمتر خواهد بود. (ناصری، ۱۴۰۱: ۲۴-۲۵)

د. ابرگرفتنی مانع از دیگر منافع فراوان خورشید چون جاذبه، گرما و حرارت، رویش گیاهان و غیر آن نیست و تنها نورافشانی کمتری خواهد داشت. منافع امام نیز همین‌طور است.

ه. پوشاننده بودن ابر برای ما است نه خورشید؛ در نتیجه ما از دیدار خورشید محرومیم نه آنکه در منفعت‌رسانی خورشید، خلل وارد شود.

و. نورافشانی آفتاب لحظه‌ای متوقف نمی‌شود و هر کس به اندازه ارتباطش با خورشید، از نور آن بهره می‌برد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۸)

۱. قَالَ سَلِيمَانٌ فَلْتَلِّ لِلصَّادِقِ فَكَيْفَ يُنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحَجَّةِ الْغَائِبِ الْمَشْهُورِ قَالَ كَمَا يُنْتَفِعُونَ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ.



رابطه قلبی و معنوی بر اساس حس حضور توجیه می‌شود؛ به این معنا که منتظران، امام را حاضر و ناظر در حیات خود می‌بینند و در اعمال و رفتار خود دقت نموده و در راستای رضایت امام و تحقق اهداف آن حضرت گام برمی‌دارند. حس حضور، زمانی به وجود می‌آید که بدانیم امام، شاهد بر اعمال است و اعمال بر او عرضه می‌شود.

حس حضور، رهاورد عرضه اعمال

ثمره آگاهی از عرضه اعمال بر امام و شاهد بودن وی، ایجاد احساس حضور و خودکنترلی در جامعه منتظر است و غیبت امام، مانع ارتباط منتظران با او نمی‌شود. مطابق آیه ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾ (نحل: ۸۹)، ضرورت دارد پس از رسول خاتم صلی الله علیه و آله در هر زمانی، گواهی بر امت وجود داشته باشد. این شاهد، عصمت الهی دارد و از دروغ و گزافه‌گویی دور است. هم‌چنین آگاه به حقایق اعمالی است که شاهد بر آن‌ها است و حاضر و غایب از مردم، نزد او یکسان است. افزون بر آن شهادتش مستند به حس و رؤیت است، نه دلیل عقلی یا نقلی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۳۲۲-۳۲۳) تنها مصداق شاهدان با ویژگی خاص عصمت و علم باطن پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت علیهم السلام هستند. همان‌گونه که مصداق شاهد در آیه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (بقره: ۱۴۳) ائمه علیهم السلام معرفی شده‌اند.^۱ (صفار، ۱۴۰۴: ۸۲)

در دیگر روایات پربسامد، عرضه اعمال بر امام در زمان‌های مختلفی بیان شده است. به نقل ابوبصیر از امام صادق علیه السلام کردار خوب و بد بندگان، هر صبح بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود. سپس امام با عبارت «فاحذروها» دستور به پرهیز از اعمال ناروا دادند.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹) فایده آگاهی از عرضه در این کلام نورانی، خودمراقبتی دانسته شده است. در حدیث دیگری، ابن ابان زیات از امام رضا علیه السلام می‌خواهد تا برای او و خانواده‌اش دعا کنند. آن حضرت پاسخ دادند که من همواره چنین می‌کنم؛ زیرا اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می‌شود. آنگاه گفتار خود را مستند به آیه ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵) نموده، مصداق «مؤمنون» را علی بن ابی طالب معرفی کردند.^۳ (کلینی،

۱. فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ قَالَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ.

۲. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَيْزَاهَا وَفَجَائِزَهَا فَاحْذَرُوهَا.

۳. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ الزِّيَّاتِ وَكَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرِّضَا قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا ادْعُ اللَّهَ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ قَالَ فَاسْتَغْظَمْتُ ذَلِكَ فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُلِ اعْمَلُوا



۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹) سبب اختصاص آیه به امیرالمؤمنین را می‌توان آن دانست که مخاطب آیه در هنگام نزول، ایشان بوده یا آنکه علی علیه السلام مصداق اعظم است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۶)

پس ارتباط افراد جامعه منتظر با امام منتظر در دوران غیبت در قالب برتری می‌تواند استمرار یابد و آن ارتباط قلبی و معنوی با امام مهدی علیه السلام است؛ زیرا این نوع از رابطه محدودیت نداشته، مطلق است. باور شیعیان به عرضه اعمال بر امام، زمینه‌ساز حس حضور و احساس نظارت بوده و تقویت بخش ارتباط قلبی آنان است؛ زیرا غیبت امام حئی را حجابی بر آگاهی او بر کردار و احوال خودشان نمی‌بینند.

نقش ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام در گذار از ابتلائات

همان‌طور که گفته شد، گرفتاری انسان به ابتلائات و آزمون‌ها از سنت‌های تَخَلُّف ناپذیر الهی است. افراد جامعه با ابزارهای گوناگونی چون انسان، دنیا، اموال، ثروت، فقر، غریزه جنسی، فرزند، مرگ و زندگی، حوادث طبیعی و اجتماعی، حاکمان و مردم، جنگ و صلح، نعمت و نعمت، مورد آزمایش قرار می‌گیرند. (ر.ک: غفاری، ۱۳۸۳) البته بلاهای گاهی اثر عمل خود انسان است. تحمّل این قسم از ابتلائات، ثوابی به دنبال نداشته، مایه تأدیب ظالم (ناصری، ۱۴۰۱: (پ)، ۴۴) و پاکی گناهان مؤمنان است.^۱ (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۳۵) در مواردی که سیر بندگان به سوی خدا با شوق و رغبت نیست، ابتلائات نقش انگیزشی دارد. گاهی نیز امتحانات برای اعطای درجه و مقام است. (ناصری، ۱۴۰۱: (ت)، ۲۲۷)

ابتلائات می‌تواند فرد و اجتماع را درگیر کند. گاهی امتحان الهی دامن‌گیر خود فرد می‌شود؛ مانند فقر، ثروت، بیماری، سلامت، همسر، فرزندان، همسایه و غیر آن. در مواردی نیز جامعه گرفتار بلایا می‌شود. بیماری‌های فراگیر چون کرونا، وبا، طاعون، جنگ، زلزله، سیل، خشکسالی و قحطی، فراوانی نعمت، ناامنی، گرانی و ... از نمونه‌های ابتلای اجتماعی هستند.

در آیه **﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرٍ الصَّابِرِينَ﴾** (بقره: ۱۵۵) به تعدادی از ابتلائات اجتماعی اشاره شده است. مقصود از تعبیر «بشئ من الخوف والجوع»، ناامنی و فقر اقتصادی و مراد از نقص اموال و انفس و ثمرات، کمبود این موارد است نه نداشتن آن‌ها. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ج ۷، ۶۴۳)

۱. فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

۱. مَا مِنَ السَّيِّئَةِ عَبْدٌ يُقَارَفُ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلَاءَةٍ تَمَحَّصُ بِهَا ذُنُوبُهُ.



فتنه‌های اجتماعی گاه انسان‌ها و نسل‌های فراوانی را هدف قرار داده و دامنه‌اش تا قیامت باقی است. این فتنه‌ها بزرگ بوده و از شدت و ضعف برخوردارند. با توجه به آیه بالا، بلای اجتماعی بسیار سخت‌تر و تلخ‌تر از بلای فردی است. اثرگذاری بلای فردی بر نظام حیات فردی انسان است و وی می‌تواند با تعقل و اراده قوی بر آن غلبه کند؛ اما بلای عمومی، تدبیر و احساس عموم را تحت تأثیر قرار داده، نظام اجتماعی را مختل می‌کند. در پی آن ترس و وحشت افزون شده، اضطراب حکم فرما می‌گردد و اراده‌ها از بین می‌رود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۳۴۳)

پس بنابر سنت قطعی الهی، افراد جامعه منتظر گرفتار انواع بلاها و گرفتاری‌ها می‌شوند. ناگزیر برای گذار از این ابتلائات، بایسته است به دنبال راه چاره‌ای بود تا در پی آن، رفع بلا شود یا شکیبایی و تاب‌آوری در برابر فتنه‌ها افزون شود. یکی از کارآمدترین راه‌ها ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر عجل الله فرجه در گذار از ابتلائات است. بر این اساس تأثیر این ارتباط در برون‌رفت از امتحان‌های الهی در موارد اجابت دعا، زنده‌دلی، نورآفرینی و ظلمت‌زدایی و تحقق فرج تبیین می‌شود.

۱. اجابت دعا

دعا برای امام مهدی عجل الله فرجه از وظایف منتظران در زمان غیبت و از راه‌های ارتباط قلبی با آن حضرت است که به واسطه آن، دعاها در حق آن فرد نیز مستجاب می‌شود. دعا کردن آثار و برکات ویژه‌ای به همراه دارد. نخست آنکه دعا امری مطلوب بوده، نشان از کمال عبودیت دارد. دوم آنکه عنایات تشریحی پروردگار، یعنی عنایاتی که در مرتبه لطف خداوند پنهان است، تنها با دعا عطا می‌شود. سوم آنکه برترین راه برای رسیدن به کمال، دعا به درگاه الهی است. بندگان هنگامی به کمال می‌رسند که نشانه‌های بندگی را در حد کمال داشته باشند و هیچ نشانه‌ای برتر از دعا نیست. چهارم آنکه رفع گرفتاری‌ها و شداید اجتماعی نیز با دعا دستیاب می‌شود؛ زیرا درهای رحمت الهی با دعا گشوده می‌شود. (ناصری، ۱۴۰۱: الف)، ۵۵-۵۸) ارتباط معنوی با حجت الهی از راه دعا برای آن حضرت، اجابت دعا در حق منتظران و فواید خاص آن را به دنبال می‌آورد.

دلایل گوناگونی در اثبات ارتباط میان دعا برای امام زمان عجل الله فرجه و اجابت دعا بیان شده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

الف. دعای برای امام بدون تردید مستجاب است؛ بنابراین دعای شخص، همراه دعا برای



امام عصر^{علیه السلام} به هدف اجابت می‌نشینند.

ب. گناہانی که مانع از اجابت دعا است، با دعا برای حجت الهی آمرزیده می‌شود و در نتیجه اجابت محقق می‌گردد.

ج. کسی که برای امام دعا کند، امام نیز برای او دعا نموده، خواسته‌اش برآورده می‌شود.

د. مؤمنی که در حق مؤمن غایب دعا کند، فرشتگان برای او دعا می‌کنند و دعایشان مورد اجابت قرار می‌گیرد.

رفع بلا و گرفتاری از دامن افراد جامعه، از آثار دعا برای امام زمان^{علیه السلام} است؛ زیرا اگر دعا برای رفع بلا از آن حضرت باشد، در این صورت مثل آن دعا در حق خود آن شخص روا می‌شود. به روایت امام باقر^{علیه السلام} مؤمنی که در غیاب برادر مؤمنش برای او دعا کند، فرشته آمین‌گوی او است و خدا گوید: «برای تو مثل آن دعایی است که در حق او روا داشتی». ^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۰۷) اگر مضمون دعا، رفع بلا از آن حضرت نبوده و دعای دیگر باشد، باز هم اثر دفع بلا را به دنبال دارد. امام صادق^{علیه السلام} فرمودند: «دعای مسلم در غیاب برادر مسلمانش، روزی را افزون نموده، بلا را برطرف می‌گرداند». ^۲ (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۵۳)

از راه ارتباط معنوی با امام عصر^{علیه السلام} در قالب دعا برای آن حضرت، دعاها مستجاب می‌شود. یکی از آثار اجابت دعا نیز برطرف شدن ابتلائات است؛ از این رو بر عهدۀ منتظران است تا با کثرت دعا برای آن جناب، ارتباط قلبی خود با آن وجود نورانی را حفظ کنند و از برکات آن بهره‌مند گردند.

۲. زنده‌دلی

یکی از حالات عارض بر جان و قلب انسان، حالت زنده‌دلی در برابر دل مردگی است. قلب آدمی در حکم زمینی است که می‌تواند مرده یا زنده باشد. در آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷)، دو حالت حیات و ممات برای زمین تصویر شده است. زمین شوره‌زار به دلیل آنکه بازدهی ندارد، مرده است و خدا با مقام ربوبیتش، آن را زنده می‌کند. قلب انسان نیز همین‌گونه است. (ناصری، ۱۴۰۱: (پ)، ۳۱۳-۳۱۴)

۱. الْمُؤْمِنُ يُدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلَكُ آمِينَ وَيَقُولُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ وَ لَكَ مِثْلًا مَا سَأَلْتَ.
 ۲. دُعَاءُ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَمْسُوقُ إِلَى الدَّاعِي الرَّزِيقُ وَ يَضْرِفُ عَنْهُ الْبَلَاءَ.



زنده دلی و دل مردگی، برخاسته از عوامل گوناگونی است. مواردی چون از یاد بردن خدا^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۹۶)، اندک شدن ورع^۲ (شریف رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۳۴۹)، گناهان^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱، ۱۴۲)، خنده زیاد^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱، ۶۶۴) و غیر آن جان انسان را می میراند؛ از این رو نیازمند راهکارهایی است تا قلب و روحش را زنده کند که این راهکارها با کاوش در روایات دست یافتنی است. اسبابی مانند توبه از گناهان^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱، ۱۴۲)، موعظه^۶ (شریف رضی، ۱۴۱۴: نامه ۳۱)، تفکر^۷ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۸)، گفت و گوی علمی مورد رضایت پروردگار^۸ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۱) و نور حکمت^۹ (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۹۳) زنده دلی را به ارمغان می آورد.

در کنار عوامل یاد شده و مؤثر در زنده دلی، ارتباط با امام مهدی عجل الله فرجه را می توان مهم ترین عامل در احیای قلوب نام برد. قلبی که با پروردگار و امام ارتباط داشته باشد، زنده می شود و از مقامات عرفانی بهره می برد و اگر از قرآن و مناجات و دعا بهره نداشته، با ولایت مرتبط نباشد، می میرد. در احادیث در تأویل آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷)، به ارتباط زنده دلی و پیوند با امام زمان عجل الله فرجه اشاره شده است. امام باقر عجل الله فرجه مقصود از مرگ زمین در این آیه را مرگ اهل آن به سبب کفر دانستند که با قیام امام مهدی عجل الله فرجه زمین زنده می شود^{۱۰} (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۶۸) بنا بر این روایت، ممات حقیقی زمین به کفر ساکنان آن است و در مقابل اگر عبادت پروردگار بر روی آن انجام شده، عدالت اجرا شود، حیات می یابد. (ناصری، ۱۴۰۱: (پ)، ۳۱۴-۳۱۷)

دل مردگی افراد جامعه، پیامدهای ناگواری را به دنبال می آورد. این تبعات، هم می تواند فردی و هم اجتماعی باشد. دلی که حیات نداشته باشد، ایمانش ضعیف می گردد و در

۱. فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى قَالَ يَا مُوسَى لَا تَتَسَّنِي عَلَى كُلِّ خَالٍ فَإِنَّ نَسِيَانِي يُؤَيِّتُ الْقَلْبَ.

۲. مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ.

۳. وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمَ جِنَاتِي.

۴. كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُؤَيِّتُ الْقَلْبَ.

۵. وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمَ جِنَاتِي، فَأَخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ.

۶. أَحْيَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ.

۷. التَّفَكُّرُ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ.

۸. تَدَاكُرُ الْعِلْمِ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا نَحْبَا عَلَيْهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ إِذَا هُمْ انْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرِي.

۹. فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ.

۱۰. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا [يَعْنِي] بِمَوْتِهَا كَفَّرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ.



صورت ثبات بر این حالت، به عدم ایمان منتهی می‌شود. در این هنگام تابع هوای نفس بوده، از ارتکاب بدی‌ها و پلشتی‌ها باکی ندارد. با افزایش گناهان، ابتلائات و گرفتاری‌ها نیز افزون می‌گردد. بر این اساس برای برون‌رفت از معضلات و شداید، ضروری است تا قلب‌ها زنده شود. زنده‌دلی نیز در پی ارتباط با امام غایب به دست می‌آید. دلی که با یاد و دعا و توسل به آن جناب زنده شود، گناهانش اندک و سختی‌ها و مشکلاتش نیز کاهش می‌یابد.

۳. نورآفرینی و ظلمت‌زدایی

نورآفرینی و ظلمت‌زدایی، اثر ممتاز دیگری است که به سبب ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر^{علیه السلام} ایجاد می‌شود. نور، آن چیزی است که هم ذاتش پیدا و روشن است و هم روشنابخش غیر خود است. اهل بیت^{علیهم السلام} نیز وجوداتی نورانی هستند که خلقتشان نورانی و نوربخش عالم هستند. از آنجا که وجودشان سراسر نور است، با ظلمت سنخیتی نداشته، تاریکی در حیطه آنان راه ندارد.

در معارف دینی همچون زیارت جامعه کبیره با عبارات مختلفی چون «أنتم نور الأخیار»، «أشرفت الأرض بنورکم» و «کلامکم نور» به نورانیت ائمه^{علیهم السلام} اشاره شده است. همچنین در فقره‌ای از زیارت، با تعبیر «نوره و برهانه عندکم» بیان می‌شود نور و برهان پروردگار نزد شما است (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۲) که می‌تواند معانی گوناگونی داشته باشد:

الف. دلایل و براهین اثبات وجود و صفات و افعال خدا، تنها از جانب امامان معصوم^{علیهم السلام} آن‌گونه که شایسته است، ثابت می‌شود.

ب. مقصود از نور و برهان، قرآن است و همه علوم قرآن نزد اهل بیت^{علیهم السلام} است.

ج. نبوت و ولایت در خانه ائمه^{علیهم السلام} است.

د. ولایت کلیه نزد ایشان است؛ به این معنا که همه عالم تحت فرمان آن بزرگواران است.

(ناصری، ۱۴۰۱: (ب)، ج ۲، ۶۴۵-۶۵۳)

همه پیشوایان معصوم نور واحد هستند؛ اما نور امام مهدی^{علیه السلام} از درخشش ویژه‌ای برخوردار است (ناصری، ۱۴۰۱: (ث)، ۵۸-۵۹) در معراج رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} نزد پروردگار، آن جناب، نور اهل بیت^{علیهم السلام} را مشاهده کردند که امام زمان^{علیه السلام} در وسط ایشان مانند کوکب درّی یعنی ستاره روشن می‌درخشید. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۵۲) تشبیه آن حضرت به طاووس اهل



بهشت^۱ (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ص ۴۳۹) نیز می‌تواند اشاره به زیبایی و درخشش ویژه آن جناب باشد. یکی از تأثیرات مهم نور بودن امام علیه السلام برطرف شدن بلاها و گرفتاری‌ها است. البته چنین اثری گاهی اثر تکوینی وجود حجت الهی است و گاهی اثری که در نتیجه ارتباط قلبی و معنوی با آن حضرت حاصل می‌شود؛ زیرا یک معنا از نور بودن آن است که رشد و تعالی در هر بُعدی از ابعاد به وسیله امام، محقق می‌گردد؛ اما معنای دیگر آن است که حیات عالم، مروهون وجود ایشان است؛ زیرا اگر نور نباشد زندگی جریان ندارد؛ از این رو امام مهدی علیه السلام روح عالم وجود است. (ناصری، ۱۴۰۱: (ث)، ۵۲-۵۳) این همان اثر تکوینی امام عصر علیه السلام در پهنه گیتی است. در روایات نیز اشاره شده است که به سبب وجود حجت الهی، بلاها از شیعیان و دوستان دور می‌شود^۲ (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۶)؛ در حالی که بنابر معنای اول از نور بودن امام، بهره‌وری از آن حضرت در بالندگی و کمال و رفع بلاها، متوقف بر ارتباط با ایشان است.

نوری که از ارتباط با امام مهدی علیه السلام ایجاد می‌شود، می‌تواند دستخوش تغییر قرار گیرد. از آنجایی که معصیت، ظلمت است، انجام هر گناهی به مانند گرد و غباری این نورانیت را می‌پوشاند. (ناصری، ۱۴۰۱: (ب)، ج ۱، ۴۲۳) انسان مؤمن در حالت ایمان و تا زمانی که ارتباطش برقرار است، دچار گناه نمی‌شود؛ اما هنگامی که کارهای مکروه و گناهان صغیره اش زیاد شود، مرتکب کبیره خواهد شد. در این صورت حجاب ظلمانی، اطراف قلبش را فرا گرفته، نور ولایتش به خاموشی می‌گراید. (ناصری، ۱۴۰۱: ج ۲، ۴۶۳)

پس یکی از فواید اساسی ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام نورآفرینی و ظلمت‌زدایی است. همان‌طور که گناهان و ظلمت‌ها، گرفتاری‌ها و ابتلائات را به دنبال دارد، ارتباط و کسب نور از حجت الهی، رفع گرفتاری‌ها و دوری از بلاها را در پی خواهد داشت؛ زیرا وجود امام، سراسر نور است و ظلمت در او راه ندارد و منتظران مرتبط با آن حضرت نیز با گناهان و تاریکی‌ها سنخیتی ندارند.

۴. تحقق فرج

یکی از بایستگی‌های مهدی‌باوران در دوران غیبت، کسب آمادگی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی در راستای یاری امام زمان علیه السلام و تحقق فرج

۱. المَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ.

۲. بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي.





است. به فرموده امام صادق علیه السلام بر عهده منتظران است؛ هرچند به اندازه مهیا کردن تیری برای آماده‌سازی ظهور تلاش کند.^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰) در اندیشه دانشورانی چون علامه مجلسی رحمته الله علیه نیز، مرابطه در مورد امام مهدی علیه السلام به معنای پیروی از امام، انتظار فرج و تحصیل آمادگی در یاری آن حضرت است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۵۸۲)

در اثر ارتباط قلبی و معنوی با امام عصر علیه السلام حالت آمادگی شیعیان در عرصه‌های مختلف تقویت می‌گردد و چنین حالتی به ظهور انجامیده، آرمان شهر مهدوی تحقق می‌یابد. با فرج امام زمان علیه السلام فرج افراد جامعه منتظر، یعنی گشایش آن‌ها از ابتلائات و گرفتاری‌ها محقق می‌شود. تحقق فرج، خواسته خود حجت الهی نیز می‌باشد که به سبب آن گرفتاری‌های مادی و معنوی، اقتصادی و اجتماعی برطرف می‌گردد. حضرت حجت در توقیع به اسحاق بن یعقوب به کثرت دعا برای تعجیل فرج فرمان دادند که فرج شیعیان با آن حاصل می‌شود.^۲ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۵)

علت پیوند میان آمادگی منتظران و تحقق فرج، آن است که ایجاد آمادگی نشان از تقاضای مؤمنان در تحقق فرج دارد و اراده پروردگار بر امر فرج، متوقف بر تقاضای منتظران است. اگر تقاضا باشد، عرضه هم اتفاق می‌افتد. (ناصری، ۱۴۰۱: (پ)، ۱۰۲) امام صادق علیه السلام آمادگی و تقاضای بنی اسرائیل در رفع بلا و ایجاد گشایش را الگوی نیکویی برای فرج شیعیان بیان کرده‌اند. به بیان آن حضرت، خداوند به ابراهیم وعده فرزند داد و خبر داد فرزندان او چهارصد سال در شدت و گرفتاری خواهند بود. بنی اسرائیل با طولانی شدن عذاب، چهل صبح به درگاه پروردگار انا به کردند. در اثر تقاضای آن‌ها، صد و هفتاد سال از گرفتاری آنان کم شد و خدا موسی و هارون را برای نجات قوم فرستاد. امام صادق علیه السلام در پایان فرمودند: اگر شما نیز این‌گونه رفتار کنید، خدا به وسیله ما فرج شما را می‌رساند.^۳ (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۵۴)

مؤمنان دوره پیش از ظهور به پنج بلیه ترس، گرسنگی، از دست دادن دارایی، از دست دادن جان و از دست دادن سودها دچار می‌شوند.^۴ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۱) وجود این بلاها برای سنجش مقدار ایمان آنان است. علاوه بر آن به سبب ابتلائات، فرج منجی حقیقی را جویا

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِيُعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِيُخْرَجَ الْقَائِمُ وَ لَوْ سَهْمًا.

۲. أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَيْلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

۳. أوحى الله إلى إبراهيم أنه سيولد لك ... و يعذب أولادها أربعمائة سنة... فلما طال على بني إسرائيل العذاب - ضجوا و بكوا إلى الله أربعين صباحا- فأوحى الله إلى موسى و هارون أن يخلصهم من فرعون فحط عنهم سبعين و مائة سنة، قال: و قال أبو عبد الله: هكذا أنتم لو فعلتم لفرج الله عنا.

۴. لَا بَدَأُ أَنْ يَكُونَ قَدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يَصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ السَّمَرَاتِ.



می‌شوند. منتظران مؤمن در صورت کامیابی و شکست‌باری در برابر گرفتاری‌ها، در شمار صابران قرار گرفته، درود پیاپی خدا شامل حالشان می‌شود. (ناصری، ۱۴۰۱: الف)، (۲۲۱-۲۲۳)

بنابراین در نتیجهٔ ایجاد آمادگی از راه ارتباط قلبی با امام منتظر، گرفتاری‌ها و ابتلائات برطرف می‌شود؛ زیرا کسب آمادگی نشان از خواست منتظران در تحقق فرج است که به واسطهٔ آن، فرج و گشایش از امور جامعه منتظر حاصل می‌شود. ظهور حجت الهی شداید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین برده، حق و عدالت مطلوب را در جامعه تأمین می‌کند.

نتیجه

حیات آدمی با گرفتاری‌ها و ابتلائات همراه است؛ زیرا این سنت تخلف‌ناپذیر الهی و ویژگی زیست‌دنیایی است. بلایا و شداید چه برخاسته از کردار انسان باشد یا تقدیری از سوی خداوند و چه نعمت باشد یا نعمت، زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینهٔ چالش دائمی آنان را فراهم می‌نماید؛ بنابراین برای گذار و برون‌رفت از گرفتاری‌ها، انسان نیازمند راه چاره‌ای است تا یاری‌گری در ابتلائات باشد. مناسب‌ترین راه در این زمینه در دوران غیبت، ارتباط با حجت‌حی الهی است. از آنجا که ارتباط مشاهده‌ای و حضوری با امام عصر^{علیه السلام} محدودیت دارد و تنها برای خواص ممکن است، ارتباط معنوی و قلبی با امام توصیه می‌شود که قید و شرطی ندارد و برای همگان میسر است.

ارتباط معنوی در قالب حس حضور توجیه می‌شود؛ به این معنا که منتظران، امام را ناظر و حاضر بر کردار خود دیده، به عرضهٔ اعمال بر وجود نورانی وی باور دارند. در اثر این نوع از ارتباط، افراد جامعه از آثار و فواید مختلفی بهره‌مند می‌شوند که نتیجهٔ آن رفع گرفتاری‌ها و بلایا است. نخستین اثر در اجابت دعا است. کسی که برای امام زمان^{علیه السلام} دعا کند، دعاها در حق خود او نیز مستجاب می‌گردد و به این وسیله بلاها برطرف خواهد شد. دومین فایده، زنده‌دلی است. ارتباط با امام، دل‌مردگی را از ساحت انسان دور نموده، قلب او را حیات می‌بخشد. زنده‌دلی نیز موجب دفع شداید می‌شود. سومین اثر، نورآفرینی و ظلمت‌زدایی است. وجود پیشوای معصوم، نورانی است و وجود دیگران را نورانی می‌کند. ارتباط قلبی با امام مهدی^{علیه السلام} نورآفرین بوده، تاریکی‌ها را از منتظران دور می‌کند و به دنبال آن ابتلائات برای شیعیان مرتفع می‌گردد. آخرین فایده، در تحقق فرج است. با فرج امام عصر^{علیه السلام} فرج و گشایش برای شیعیان از سختی‌ها رخ خواهد داد.



منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن بطریق، یحیی، ۱۴۰۷ق، عمدة عیون صحاح الأخبار، قم، جامعة المدرسین.
۲. ابن شعبه، حسن، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.
۴. اصفهانی، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، مکیال المکارم، قم، مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، تسنیم، قم، اسراء.
۶. _____، ۱۳۹۰، عصاره خلقت، قم، اسراء.
۷. خزّاز رازی، علی، ۱۴۰۱ق، کفایة الأثر، قم، بیدار.
۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران.
۹. ذاکری، علی اکبر، ۱۳۷۸، ارتباط با امام زمان در عصر غیبت (در ضمن چشم به راه مهدی علیه السلام)، قم، حوزه علمیه.
۱۰. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، قم، هجرت.
۱۲. صدوق، محمد، ۱۳۶۲، خصال، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. _____، ۱۴۰۶ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی.
۱۴. _____، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه.
۱۵. _____، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. صفار، محمد، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ق، الغیبة، قم، دار المعارف الإسلامیه.
۱۹. عیاشی، محمد، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیه.
۲۰. غفاری، ابوالحسن، ۱۳۸۳، سنت امتحان در زندگی انسان، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. _____، ۱۴۰۴ق، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۴. محسنیان راد، مهدی، ۱۳۶۹، ارتباط شناسی، تهران، انتشارات صدا و سیما.
۲۵. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
۲۷. ناصر دولت آبادی، محمد علی، ۱۴۰۱(الف)، آب حیات، تحقیق مجید هادی زاده، قم، خُلق.
۲۸. _____، ۱۴۰۱(ب)، جام اسرار، تحقیق سید حبیب حسینی زنانی، قم، خُلق.
۲۹. _____، ۱۴۰۱(پ)، در امتداد نور، تحقیق محمود مطهری نیا، قم، خُلق.
۳۰. _____، ۱۴۰۱(ت)، رسم بندگی، تحقیق سید حبیب حسینی زنانی، قم، خُلق.
۳۱. _____، ۱۴۰۱(ث)، سخن دوست، تحقیق سید حبیب حسینی زنانی، قم، خُلق.
۳۲. نعمانی، محمد، ۱۳۹۷ق، الغیبة، تهران، نشر صدوق.
۳۳. الهی نژاد، حسین، ۱۳۸۷، انتظار، عدالت و صلح جهانی (در ضمن گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله های گفتمان نهم)، قم، بوستان کتاب.
۳۴. _____، ۱۳۹۵، مهدویت پژوهی؛ مسئله شناسی، معرفت شناسی و مبانی شناسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

